



در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ و ۸۰ که حکومت‌های نظامی در بیشتر کشورهای این منطقه قدرت را به دست گرفتند، خشونت نسبت به خبرنگاران شدت گرفت. بیشتر این جنایات را «مسوولانی» در لباس افسران یا سربازان، و یا جوخه‌های اعدام گماشته شده از طرف دولت مرتکب شدند. گرچه بیشتر حکومت‌های نظامی که آغازگر این خشونت‌ها بودند اکنون برکنار شده‌اند، لیکن سخت‌گیری بر مطبوعات همچنان ادامه دارد. قتل هوگو بوستیسوس، خبرنگار پرویی که چندو چون آن در راهنمای مطالبات‌مستند مأموریت‌های خطرناک^۱ ثبت شده است، فقط مشت‌ی است از خروار.

اگرچه تهدید به حملات خشونت‌بار در زندگی خبرنگاران آمریکای لاتین امری عادی است، اما نوع تهدید در هر منطقه متفاوت است. برای مثال، خبرنگاران شهر «لیما» پایتخت پرو، بدون رویارویی با موانع دشوار به کار مشغولند و این در حالی است که در بیشتر مناطق این کشور حالت فوق‌العاده برقرار است، اما خبرنگاران در شرایط جنگی نیز به‌طور مؤثر فعالند.

آمریکای لاتین: خبرنگاران در زیر آتش

نوشته: جوئل سولومون^۱ ترجمه: محمدعلی شیخ علیان

نگران‌کننده‌ای قربانیان اشکال مختلف حملات خشونت‌بار - از ضرب و جرح گرفته تا قتل - هستند.

از سال ۱۹۷۶ به بعد، دست کم ۲۶۸ خبرنگار در آمریکای لاتین یا به قتل رسیده‌اند و یا ناپدید شده‌اند. کشورهایی که بالاترین میزان مرگ‌ومیر را دارند عبارتند از: آرژانتین (۹۳ مقتول)، گواتمالا (۴۸ مقتول) و السالوادور (۴۰ مقتول).

با وجودی که خبرنگاران آمریکایی مخالف‌خوان جامعه خورشید و مدام به تحقیق درباره کارهای غیرقانونی یا کشف بی‌نظمیها و بی‌قاعدگیها و یا وادار ساختن مقامات مسوول به رسیدگی بیشتر و دقیقتر به مسائل جامعه مشغولند، لیکن بندرت مورد ضرب و جرح قرار می‌گیرند. اما، این گفته در مورد خبرنگاران کشورهای آمریکای لاتین صادق نیست که به کرات و به طرز

■ تهدیدات پیاپی یا اعمال فشار مسلماً بر نحوه گزارش خبرنگاران تأثیر می‌گذارد. در گواتمالا، «خودسانسوری» میراث قساوت ارتش بر مطبوعات است.

■ در گذشته، مدافعان آزادی مطبوعات می‌توانستند، به برخی خشونت‌های منظم دولت علیه خبرنگاران اشاره کنند. اما اکنون دیگر چنین نیست. هنوز آزار و ایداء و حمله و خشونت بر خبرنگاران ادامه دارد.

تهدیدات پیاپی یا اعمال فشار مسلماً بر نحوه گزارش خبرنگاران تأثیر می‌گذارد. در گواتمالا، «خودسانسوری» میراث قساوت ارتش بر مطبوعات است که از گذشته تا کنون ادامه داشته است. رژیم‌های غیرنظامی جایگزین رژیم‌های نظامی می‌شوند، اما با سرکار ماندن نیروهای دست راستی حملات علیه خبرنگاران ادامه می‌یابد. در کلمبیا با آنکه بسیاری از خبرنگاران با گزارش‌هایشان خطرات بزرگی برای خود می‌خرند، لیکن خودسانسوری نیز معمول است. به رغم تلاش‌های دولت کلمبیا برای سرکوب تروریست‌های مواد مخدر و شورشیان چپ، متأسفانه، حملات خشونت‌بار علیه خبرنگاران به واقعیتی روزمره تبدیل شده است.

در گذشته، مدافعان آزادی مطبوعات می‌توانستند، به برخی خشونت‌های منظم دولت علیه خبرنگاران اشاره کنند. اما اکنون دیگر چنین نیست. هنوز آزار و ایداء و حمله و خشونت بر خبرنگاران ادامه دارد. برخی از دولت‌های غیرنظامی تازه روی کار آمده در آمریکای لاتین، همانند اسلافشان از زیر تعهداتشان در دفاع از حقوق بشر شانه خالی می‌کنند و این در حالی است که تهدیدات تازه علیه خبرنگاران از طرف گروه‌های غیردولتی یا شبه‌دولتی، یافتن مسؤولان نقض حقوق بشر را بسیار دشوار ساخته است.

پرو: خشونت علیه مطبوعات

هوگو بوستیسوس خبرنگار پرویی در ۲۴ نوامبر ۱۹۸۸ گزارش دو جنایت را آغاز کرد که در شهر کوچک «کاستروپامپا» در نزدیکی

نشسته گرفتار شدند. بوستیسوس کشته و روخاس به سختی زخمی شد.^۲ از ابتدای جنگ تا کنون، دست کم ۱۲ خبرنگار در «آیاکوچو» به قتل رسیده‌اند. عده‌ای به دست ارتش و بقیه به دست قاتلین ناشناس کشته شده‌اند. برای مثال، خبرنگاران «هوانتا» و «خایمه‌ایالا» را به یاد می‌آورند، که در سال ۱۹۸۴ از پایگاه نظامی که بعداً «دوپونت» به فرماندهی آن رسید، اطلاعاتی سری به دست آورده بود و سپس ناپدید شد.

با آنکه مرگ «آیالا» و بسیاری دیگر برای حکومت‌های مختلفی که در پرو بر سر کار آمده‌اند موجب اندکی دردسر شد لیکن انعکاس قتل بوستیسوس متفاوت بود. قتل او مقامات نظامی و غیرنظامی را متوجه ساخت که دیگر اجازه داده نخواهد شد چنین جنایاتی پنهان و بدون مجازات باقی بمانند.

در جلب افکار عمومی به قتل بوستیسوس سه اتفاق مؤثر بود. اول، ادعاهایی که «کمیته محافظت از خبرنگاران» در کمیسیون حقوق بشر درون - آمریکایی^۲ مطرح کرد؛ دوم، پخش رادیویی گزارش مأموریت‌های خطرناک؛ و سوم، افشای هویت افسران ارتشی، که به مشارکت در قتل بوستیسوس متهم شدند، در مجله «کارتاس» که در لیما منتشر می‌شود.

«کمیته حفاظت از خبرنگاران» در ماه مه ۱۹۹۰ دادخواستی دو قسمتی را، پیش از کمیسیون حقوق بشر درون - آمریکایی، تنظیم کرد و امنیت جانی شاهدان جنایت بوستیسوس را خواستار شد. (نظامیان پرو چندتن از شاهدان این جنایت را دستگیر و یا تهدید کرده بودند.) کمیته همچنین درخواست کرد که این کمیسیون دادخواست مشابه‌ای را در دادگاه حقوق بشر امریکامطرح سازد. در ماه مه ۱۹۹۰، کمیسیون حقوق بشر از دادگاه حقوق بشر خواست که به دولت پرو دستور دهد از شاهدان قتل بوستیسوس حفاظت شود. در ماه اوت ریاست «دادگاه» به نمایندگی از طرف دادگاه اقامه دعوی را پیگیری کرد. این

زادگاهش «هونتاآیاکوچو» اتفاق افتاده بود. او سه بار تلاش کرد به صحنه جنایت راه یابد، اما مقامات ارتش دو بار او را از منطقه بیرون راندند. بوستیسوس مقاومت کرد و به اتفاق همکارش «ادواردو روخاس» برای دیدن محل جنایت از سرهنگ «خاویر لاندئا دوپونت» - فرمانده نظامیان و پلیس منطقه - کسب اجازه کرد.

«آیاکوچو» مرکز اصلی جنگ‌های یازده ساله ارتش با چریک‌های مائوئیست «راه درخشان» زیر نظر ارتش به حالت فوق‌العاده اداره می‌شد. هدف اصلی بوستیسوس گزارش موارد نقض حقوق بشر بود.

از سال ۱۹۸۳ تا کنون در پرو ۲۰ خبرنگار به دلیل خبرنگاری‌بودن به قتل رسیده‌اند. گرچه همه آنان را نیروهای دولتی نکشته‌اند، اما نظامیان خبرنگاران را دستگیر می‌کنند و ورود آنها را به اطراف شهرهایی که در حالت فوق‌العاده به سر می‌برند، محدود می‌سازند. همچنین به نظر می‌رسد که جوخه‌های اعدام که خبرنگاران را تهدید کرده‌اند زیر نظر ارتش کار می‌کند (باید یادآور شد که چریک‌های مائوئیست «راه درخشان» نیز خبرنگاران را مورد تهاجم قرار می‌دهند و علاوه بر تهدید در بعضی موارد آنان را به قتل رسانده‌اند).

سرهنگ لاندئا اجازه داد که بوستیسوس از محل جنایت بازدید کند و قول داده بود که ورود او و روخاس را از طریق بی‌سیم به سربازانش اطلاع دهد. اما بوستیسوس و روخاس هرگز موفق نشدند. آن دو برای سومین بار به طرف محل جنایت حرکت کرده بودند که در جاده‌ای خاکی بین «هوانتا» و «کاستروپامپا» در دام سربازان به کمین

نخستین بار بود که دادگاه حقوق بشر رسیدگی به پرونده‌ای را آغاز می‌کرد که هنوز آن را رسماً برای محاکمه نپذیرفته بود. مرحله دوم دادخواست کمیته محافظت خبرنگاران است که تا کنون قدمی برای آن برنداشته بود، رسیدگی به این پرونده قبل از رسیدگی به آن توسط دادگاه حقوق بشر درون - آمریکایی است.

دو هفته از پخش رادیویی مأموریت‌های خطرناک گذشته بود که ظاهراً مقامات دولت پرو احساس کردند پرونده بوستیسوس بیش از حد معمول مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است. در نتیجه تصمیم گرفتند، دست به اقداماتی بزنند. وکیل مدافع پرونده، از نظامیان پرو خواستار اطلاعاتی درباره سربازانی شد که احتمالاً در این جنایت دست داشتند. پس از چند سال بررسی‌های بدون نتیجه، دادیار محلی کار را دنبال کرد و دو افسر پرویی را به طراحی و ارتکاب جنایت متهم کرد. به گفته مجله کارتاس یک قاضی پرویی حکم دستگیری افسران مذکور را صادر کرد.

در این میان، مقامات ارتش پرو که گویی از جار و جنجال قریب‌الوقوع «دادگاه» وحشت کرده بودند، و شاید برای وادار ساختن مقامات قضایی غیرنظامی به درگیری، دستور رسیدگی جداگانه صادر کردند. در گذشته نیز نیروهای ارتش در موارد مربوط به حقوق بشر از این روش برای برهم‌زدن جریان تحقیقات دادگاه‌های غیرنظامی استفاده کرده بودند.

آینده نشان خواهد داد که آیا ارتش پرو خواهد توانست تأخیری در پرونده بوستیسوس اعمال کند یا فشارهای بین‌المللی و ملی، دولت پرو را وادار خواهد ساخت اجرای عدالت را بپذیرد.

گواتمالا: سکوت دائم و خودسانسوری

«بینیسو ثرتو» در ژانویه ۱۹۸۶ در گواتمالا به قدرت رسید. او نخستین رئیس‌جمهور غیرنظامی بود که دو دهه بر این کشور حکومت کرد. پیش از او دولت‌های سرکوبگر

ضدکمونیستی بیش از ۱۰۰/۰۰۰ کشته و مفقود برجای گذاردند. قتل ۴۷ خبرنگار بین سالهای ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۵ تأثیری بسزا و میراثی مشخص از خود بر جای گذارد: «خودسانسوری»

خبرنگاران گواتمالایی امید داشتند که در دوران حکومت ثرتو فعالیت‌شان را گسترده‌تر کنند. یک سال پس از آغاز به کار دولت غیرنظامی ثرتو، خبرنگاران واحد خبری پرنسالاتینا از کشور کوبا و تاس، آژانس خبری شوروی در گواتمالا مشغول به کار شدند و این نشانه تغییر نگرش دولت ثرتو بود. در همان اثنا بایرون باژرا روزنامه‌نگار گواتمالایی که تازه از تبعید بازگشته بود، هفته‌نامه لاپوکا را منتشر کرد. لاپوکا به موضوعاتی نظیر قدرت ارتش پرداخت که قبلاً ممنوع بود.

با آنکه رژیم ثرتو، برخلاف رژیم‌های نظامی پیشین، از اعمال سیاست‌های خشن در مورد رسانه‌ها خودداری کرد، اما به سرعت نشان داد که توان یا تمایل به محافظت از خبرنگاران را در برابر نیروهای قدرتمند ارتش ندارد.

در مه ۱۹۸۸ یک جوخه مرگ به نام «مانوبلانکو» که پیش از آن در خدمت ارتش بود، خبرنگاران پرنسالاتینا و تاس را به مرگ تهدید کرد. این گروه طی نامه‌ای به این

خبرنگاران هشدار داد که مانوبلانکو علیه خیل مارکسیست‌های نورسیده که با آژانس‌های کمونیستی جاسوس تاس و پرنسا همکاری می‌کنند، قیام خواهد کرد و در فرصت مناسب به آنان درسی خواهد داد که هرگز فراموشش نکنند.

در هجدهم ماه مه، دو نارنجک دفتر و منزل «الخاندرو تروشین»، خبرنگار خبرگزاری تاس را لرزاند. تروشین به اتفاق مانوئل گوئورا خبرنگار پرنسالاتینا، مدتی پس از آن پرو را ترک کردند. این انفجار درست یک روز پس از کودتا علیه ثرتو صورت گرفت. گرچه کودتاچیان ناکام ماندند، اما ارتش بظاهر در محدود ساختن قدرت ثرتو موفق بود.

لاپوکا در صفحه اول، تحلیلی از کودتا چاپ کرد. این روزنامه نوشت: «بخش‌های فسوق‌العاده محافظه‌کار ارتش در مقابل باقی‌گذاران ثرتو در مقام ریاست‌جمهوری، از او امتیازاتی خواسته بودند.» لاپوکا همچنین نوشت که هدف کودتاچیان بازگرداندن «فضای باز سیاسی» موجود در پرو به فضای محافظه‌کارانه مورد نظر ارتش بود.

لاپوکا دو هفته بعد تعطیل شد. بمبی آتش‌زا در اواخر شب دفتر لاپوکا را منهدم ساخت. به گفته یک گروه حقوق بشر به نام



کلمبیا، معاملات مواد مخدر رگ حیاتی جامعه است. خبرنگاران داخلی و خارجی که اخبار مربوط به مواد مخدر را گزارش می‌کنند، غالباً خیرهایشان را بدون امضا می‌نویسند.

روزنامه‌ال‌اسپکتادور سالها به خاطر موضع مخالفش با قاچاقچیان مواد مخدر، در دسرهای بسیاری را تحمل کرد. در دسامبر ۱۹۸۶، گیرمو کانو سردبیر ال‌اسپکتادور در نزدیکی دفتر مرکزی روزنامه به گلوله بسته شد. در همان زمان روزنامه به شدت از قاچاقچیان مواد مخدر انتقاد کرده بود.

هکتور گیرالدو گالوز، وکیل روزنامه‌ال‌اسپکتادور، که برای روزنامه مطلب هم می‌نوشت، در دادگاه فرجام پابلو اسکوبار، رئیس کارتل کوکائین «مدلین» که در دادگاه پیشین نیز به طراح اصلی آدمکشها متهم شده بود، پیروز شد. پیروزی گیرالدو حکم دادگاه پیشین را تأیید می‌کرد که اسکوبار را در آدمکشها دخیل دانسته بود. پانزده روز بعد، افراد مسلح به گیرالدو حمله کردند. قاضی که حکم محکومیت او را صادر کرده بود، پس از آنکه در سال ۱۹۸۹ به مرگ تهدید شد، کشور را ترک کرد.

نبرد قاچاقچیان مواد مخدر با رسانه‌ها در اواسط سال ۱۹۸۹، شدت یافت. و آن زمانی بود که مقامات دولتی کلمبیا در پاسخ به قتل لوئیس کارلوس گالمان، کاندیدای ریاست جمهوری، به قاچاقچیان یورش بردند.

کارتل مواد مخدر مدلین در ۲۴ اوت ۱۹۸۹، جنگی را با رسانه‌های کلمبیا آغاز کرد، که آن را «جنگ تمام عیار و سرنوشت‌ساز»، می‌خواند. و انگشت گذاشته بود روی «روزنامه‌نگارانی که قصد حمله به اتحادیه و نابودی آن را دارند.» پس از آن در دو ایستگاه ملی رادیویی، در دفتر مدلین بمبهای قویی خنثی شد.

در دوم دسامبر، بمبی بخش عمده دفتر مرکزی ال‌اسپکتادور را ویران ساخت. این انفجار ۲/۵ میلیون دلار خسارت به بار آورد. در ماه بعد، مارتا لوز لویز و میگل سولر، دو کارمند دفتری مدلین، در این



کلمبیا: خبرنگاران در محاصره جنگ مواد مخدر

خشونت در فرهنگ سیاسی کلمبیا، مرسوم است و خبرنگاران از آن در رنجند. بیش از بیست و چهار خبرنگار از سال ۱۹۸۶ به بعد به دلایلی که ظاهراً به کارشان مربوط می‌شده، کشته شده‌اند. حمله به خبرنگاران از جانب گروه‌های مختلفی صورت می‌گیرد که اغلب هم نمی‌توان ردی از آنان به دست آورد.

گروه‌های حقوق بشر روابط پیچیده‌ای را بین جوخه‌های شبه نظامیان، نظامیان کلمبیایی و قاچاقچیان مواد مخدر گزارش می‌کنند. بسیاری از خبرنگارانی که در سالهای اخیر کشته شده‌اند، یا اخباری از خشونت در منطقه داده‌اند، یا درباره این روابط اخبار انتقادی نوشته‌اند.

چریک‌های دست‌چپی هم اغلب به خبرنگاران حمله کرده‌اند و معمولاً آنها را برای دوره‌های کوتاهی ربوده‌اند. اما آشکارترین تهدید برای خبرنگاران از جانب قاچاقچیان مواد مخدر بوده است. در

«پاسدار امریکا»، یک افسر پیشین پلیس حمله به رئیس ستاد نیروهای ریاست‌جمهوری را عامل این حادثه دانست. سردبیر مجله، بایرون بازرا از منبع موثقی شنید که ارتش خیال کشتن او را دارد و از کشور گریخت. تحقیقات پلیس نیز به جایی نرسید.

این حملات به خبرنگاران گواتمالایی آموخت که صرف وجود دولتی غیرنظامی ضامن ایمنی آنان یا مطبوعات آزاد نیست. در دوره حکومت ثرثو، خودسانسوری شدید ادامه داشت.

«بایرون بازرا» بعداً به گواتمالا بازگشت، گرچه او انتشار مجله لاپوکا را از سر نگرفت ولی همکاری خود را با سرویس خبری آمریکای مرکزی، که خود او در دهه ۸۰ در مکزیکو تأسیس کرده بود، آغاز کرد. دو هفته قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری در نوامبر ۱۹۹۰ فرد مسلحی در گواتمالا سیتی به روی او آتش گشود. بازرا به شدت زخمی شد و همسرش کشته شد. و او بار دیگر کشور را ترک کرد.

روزنامه مورد اصابت گلوله قرار گرفتند. همچنین ایناسیو گوفر، خبرنگار محقق و ماریا جیمینا، دبیر بخش خارجی، پس از آنکه به مرگ تهدید شدند، جلای وطن کردند. دست کم، هشت خبرنگار بین اوت سال ۱۹۸۹ و ماه مه تا سال بعد، به دلایلی که ظاهراً به کار آنان مربوط می‌شد، کشته شدند که دست کم پنج فقره از این جنایات به قاچاقچیان نسبت داده شد. مثلاً «خورخه انریکو پولیدو» که سرپرستی برنامه اخبار تلویزیونی «ماندویون» را عهده‌دار بود در ماه اکتبر، پس از پخش گزارش خبری که در آن اطلاعات حساسی را درباره کارتل مدلین برملا ساخت در بوگوتا به گلوله بسته شد. او در ماه نوامبر درگذشت. خیمنا گودوی، خبرنگاری که با پولیدو همکاری می‌کرد، در این حمله زخمی شد.

در اگوست ۱۹۹۰، دوره جدید حملات قاچاقچیان مواد مخدر به خبرنگاران آغاز شد. تلاشهای کلمبیا برای تنظیم اساسنامه جدید ملی، فرصتی را برای قاچاقچیان مواد مخدر فراهم آورد تا «نفوذ» خود را جهت حذف بند «استرداد مجرمین» بر طراحان آن اعمال کنند و برای گرفتن امتیازات بیشتر، دولت را تحت فشار قرار دادند.

بین ماههای اوت و نوامبر، قاچاقچیان مواد مخدر هشت خبرنگار را ربودند که بنا بر گفته قاچاقچیان این عمل واکنشی بوده است به نقض حقوق بشری که شامل حال قاچاقچیان نیز می‌شود.

در سی‌ام اوت، یک گروه شش نفری خبرنگار مصاحبه‌ای را با رهبر چریکهای چپ «ایسی ال ان» ترتیب داده بودند، اما قاچاقچیان مواد مخدر راه را بر آنان بستند. در ۱۹ دسامبر، فرانسیسکو سانتوز کالدرون، دبیر روزنامه معتبر ال تمپو، ربوده شد و راننده‌اش به قتل رسید. در هفتم نوامبر، خبرنگار دیگری به نام مارویا پاچون توقیف شد. گرچه خبرنگاران دیگر یک ماه بعد از زندان آزاد شدند، اما پاچون و سانتوز تا بیستم مه ۱۹۹۰ همچنان در زندان باقی ماندند. دایانا توری، سردبیر هفته‌نامه خبری هوی ایکس هوی، یکی از شش

خبرنگارانی بود که در ماه اوت ربوده شد و در ۲۵ ژانویه ۱۹۹۱، طی تیراندازی بین نیروهای امنیتی کلمبیا و اسیرکنندگان، از پای درآمد.

اوضاع مطبوعات آمریکای لاتین
قدرتهای نظامی که روزگاری بر آمریکای لاتین تسلط داشتند، مدام خبرنگاران را زندانی کردند، آزار دادند و روزنامه‌ها، مجلات و ایستگاههای رادیو و تلویزیون را تعطیل کردند. بسیاری از این حکومتها سلطه قابل ملاحظه‌ای بر زندگی خبرنگاران مستقل داشتند بطوریکه بدون حمایت ضمنی مقامات رسمی بسیاری از خبرنگاران قادر به یافتن کار نبودند. کثرت حملات خشونت‌بار علیه رسانه‌ها دلیل قانع‌کننده‌ای برای خودسانسوری بود.

در زمان استقرار دولتهای غیرنظامی در منطقه، الگوهای جدیدی پیدا شد. در آمریکای مرکزی درصد تهاجماتی که مستقیماً توسط نیروهای ارتش و پلیس علیه خبرنگاران صورت می‌گرفت نسبت به سابق کاهش یافت. در سال ۱۹۸۹، ۸۷ درصد از حملاتی که کمیته محافظت خبرنگاران، گزارش کرده بود، توسط نیروهایی انجام گرفته بود که آشکارا با دولت همکاری می‌کردند. در سال ۱۹۸۹ این رقم به ۶۴ درصد و در سال بعد (۱۹۹۰) به ۳۶ درصد کاهش یافت.

این بدین معنا نیست که تعداد کلی حوادث یا خطراتی که خبرنگاران با آنها مواجه بودند، کاهش یافته باشد. در حقیقت کمیته محافظت خبرنگاران در سال ۱۹۸۹ در آمریکای لاتین ۱۴۰ حادثه را ثبت کرده است، این در حالی است که تعداد حوادث سال قبل، ۹۴ بود.

از ۶۷ خبرنگاری که تا سال ۱۹۸۷ در آمریکای لاتین کشته شده‌اند، فقط دو نفر از آنان در کشوری به قتل رسیدند که دارای حکومتی نظامی بوده است. در السالوادور که حکومتش از سال ۱۹۸۴ به بعد غیرنظامی است، بیش از ۴۵ حادثه از قبیل دستگیری، تهدید یا آزار خبرنگاران ثبت

گردیده است و ۱۴ خبرنگار کشته شده‌اند. دولتها مسؤول تضمین حقوق بشر مردم و احترام به آن در قلمرو حکومتی خویشند. این بدین معناست که آنها نه تنها باید از آزار و اذیت خبرنگاران خودداری کنند بلکه، باید در مواردی که چنین تهاجماتی رخ می‌دهد، ابزارهای قانونی را در جهت رسیدگی هرچه بهتر به آنها فراهم سازند.

اما وقتی که دولتها خود مستقیماً این تهاجمات را برعهده نداشتند، قدری مشکل است که آنها را به رسیدگی به این حوادث وادار نمود. دولتهای غیرنظامی کلمبیا و گواتمالا، با توجه به آنچه گفته شد، به راحتی می‌توانند از خود سلب مسؤلیت کنند. این وضع اثرات ناگواری برای کمیته محافظت خبرنگاران دارد. از این رو بسیار مهم است که هر تهاجمی، که علیه خبرنگاران آمریکای لاتین به وقوع می‌پیوندد، ثبت گردد.

اگر دولتها بدانند که آمار جامع این حوادث نگهداری می‌شود، این احتمال وجود خواهد داشت که نسبت به رعایت تعهدات بین‌المللی‌شان مسؤولانه‌تر برخورد کنند و بدانند که باید پاسخگو باشند.

پی‌نوینسا:

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Joel Solomon, "Journalists Under Fire in Latin America", in: *Danger Assignment A Study Guide* (New York: 1992), pp. 3-7

۲. این راهنما توسط کمیته محافظت از خبرنگاران گردآوری و تنظیم شده است.

۳. روخاس پس از تحمل یک بیماری طولانی در مارس ۱۹۹۱ درگذشت.

4. Inter American Commission on Human Rights

کمیسیون حقوق بشر - درون آمریکای، بخشی از سازمان ایالات آمریکا (ا.ا.س.ا) است که موردیهای حقوقی افراد را در داخل آمریکا دنبال می‌کند.

۵. کارل کوکالین «مدلین» که به تجارت قانونی مشغول است، در بهان کوکالین تورج می‌کند.

6. Hoy X Hoy